

نگاهی به داستان‌های کوتاه سید مهدی شجاعی

محمود مهرآوران^۱

طیبه عبدلی^۲

چکیده

از زمانی که قالب ادبی داستان کوتاه در ایران رواج یافته، بسیاری از نویسندگان با دیدگاه‌ها و سلیق متفاوت هنری از این قالب استفاده کرده‌اند و هم توانایی هنری خود را نشان داده‌اند و هم پیام و هدفی را دنبال کرده‌اند. در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تعدادی از نویسندگان جوان از این قالب برای کمک به ترویج اهداف و آرمان‌های نظام جدید و خواسته‌های مردمی در انقلاب استفاده کرده. سید مهدی شجاعی، یکی از نویسندگانی است که در قالب داستان کوتاه و البته در بسیاری از زمینه‌های ادبی دیگر دست به قلم برده و آثاری را خلق کرده است. در این مقاله ضمن نگاهی کلی به شیوه داستان نویسی شجاعی، مهم‌ترین ویژگی آن که توجه به موضوع و درون‌مایه است، مورد بررسی قرار می‌گیرد. این نویسنده ضمن اینکه می‌کوشد ویژگی‌ها و تکنیک‌های داستان نویسی را رعایت کند هدف اصلی خود را موضوع و درون‌مایه قرار داده و از قالب داستان کوتاه به عنوان ابزاری برای ابلاغ پیام و هدف خود استفاده می‌کند. حوادث و موضوعات اجتماعی و فرهنگی سه دهه اخیر در ایران حوزه کار شجاعی بوده و هست. سه مجموعه داستان کوتاه از این نویسنده بررسی شده است.

کلیدواژه‌ها: سید مهدی شجاعی، داستان کوتاه، موضوع و درون‌مایه، سانتاماریا، غیر قابل چاپ، سری که درد می‌کند.

۱. استادیار دانشگاه قم

۲. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی.

مقدمه

یکی از قالبهای دوره معاصر در نگارش متون ادبی، داستان کوتاه است. داستان گویی و قصه خوانی عمری دراز دارد اما داستان‌نویسی به شیوه نو بیش از دو قرن است که پا به عرصه وجود گذاشته است. داستان قالبی است با دو کارکرد عمده؛ یکی از این دو، زمینه بروز خلاقیت و توانایی هنری نویسنده است. هر هنرمندی در قالب و شکلی هنر خود را نمایش می‌دهد. شعر، داستان، نقاشی، تئاتر و موسیقی جلوه‌های بروز خلاقیت‌های هنری است. داستان‌نویس هم از این شیوه برای نشان دادن توانایی‌های هنری خود استفاده می‌کند. کارکرد دیگر هدف و محتوای داستان است. طبعاً هر کاری هدفی دارد و داستان‌نویس و قصه‌نویس هم در کار خود به دنبال هدفی است. نازلترین و کم‌ارج‌ترین هدف محتوایی، سرگرم کردن و به هیجان آوردن خواننده است. اما اهداف والا و متعالی دیگری هم برای داستان و قصه وجود دارد. داستان و قصه، پرورش دهنده قوه خلاقیت و نیروی تخیل، عامل آشنایی با خوبی‌ها و بدی‌ها، وسیله‌ای برای تحسین نیکی‌ها و نکوهش کژی‌ها، منادی عدل و داد و درستی، بیان‌کننده سرنوشت شوم بدکاران و شیرین و عبرت‌آموز و پند دهنده است. (ر.ک.: میرصادقی، ۱۳۷۶، ص ۳۱ و ۵۹)

اما داستان کوتاه، با توجه به ویژگی‌های خود که مشخصترین آن، کوتاه بودن است قالبی است که نویسنده زودتر و بهتر می‌تواند پیام خود را برساند و به هدف خود برسد. شاید بتوان داستان کوتاه را به قالب «قطعه» در شعر تشبیه کرد. همچنانکه قطعه قالبی است که وحدت طولی دارد و تمام ابیات در خدمت یک پیام و تأثیر است، داستان کوتاه هم با ارکان و عناصر خود در خدمت تأثیر و پیام آن است. در داستان کوتاه، موضوع و محتوا، پیام و هدف و درونمایه زودتر و مشخص‌تر به خواننده منتقل می‌شود. چون رمان نیست که ذهن در پیچ و خم حوادث، تعدد شخصیتها، توصیفها و گوناگونی صحنه‌ها راهی طولانی را بپیماید، بلکه نخی از وحدت ذهن او را در هر قسمت داستان به یک هدف معطوف می‌کند. از این رو نویسندگانی که بیشتر دنبال موضوع، درونمایه و پیام هستند، از این قالب نویسندگی بیشتر استفاده می‌کنند. چون آنها بیش از آنکه در پی نشان دادن هنر نویسندگی و قدرت خلاقیت خود باشند، به دنبال ارائه پیام هستند. داستان کوتاه در نزد این نویسندگان وسیله است. البته عناصر داستان، فرم و در مجموع قالب برایشان اهمیت دارد اما آنها ذهن و توان خود را بیش از آنکه درگیر پیچ و خمهای داستان کنند، در اندیشه بهتر ادا کردن درونمایه و پیام به کار می‌گیرند.

عناصر داستان کوتاه

برای داستان کوتاه با کمی تفاوت حدود ده عنصر در نظر گرفته شده است: موضوع، درونمایه، شخصیت، دیدگاه (زاویه دید)، صحنه، لحن، فضا، زبان، سبک و تکنیک» (مستور، ۱۳۸۷، ص ۲۸) هر عنصر در جای خود مهم است و مجموعه پرداخت این عناصر و تکامل آنهاست که داستان کوتاه را چون یک ساختار در خدمت خواننده قرار می‌دهد و تأکید بر یکی یا پرورش بیشتر هر یک از این عناصر، آن را در نزد خواننده چشمگیرتر می‌کند.

سید مهدی شجاعی نویسنده‌ای است که ضمن رعایت مجموعه ساختار داستان و عنایت به قالب و عناصر، بیش از هر چیز بر موضوع و درونمایه تأکید می‌کند و بیشتر به دنبال برآوردن هدف خود یعنی انتقال پیام و معناست.

از آنجا که سه مجموعه داستان‌های کوتاه او یعنی "سانتا ماریا، غیر قابل چاپ و سری که درد می‌کند" حاوی تعداد فراوانی داستان است و همه عناصر کوتاه را نمی‌توان در یک مقاله بررسی کرد به مهم‌ترین و مشخص‌ترین عنصر در داستان‌های شجاعی یعنی موضوع و درون‌مایه می‌پردازیم.

موضوع؛ طبعاً هر داستان درباره یک مفهوم و موضوع نوشته می‌شود و موضوع همان مفهومی است که درباره آن می‌نویسیم. «موضوع قلمروی است که در آن خلاقیت می‌تواند درونمایه خود را به نمایش گذارد». (میرصادقی، ۱۳۷۶، ص ۳۰۰)

موضوع پاسخ به این پرسش است: داستان درباره چه بود؟

درونمایه؛ درونمایه در واقع هدف و پیامی است که نویسنده در درون موضوع به دنبال آن است. «درونمایه داستان که گاه از آن به فکر اصلی یا مضمون و یا پیام داستان تعبیر می‌شود دیدگاه و جهت‌گیری نویسنده است نسبت به موضوع داستان. در حقیقت موضوع به آنچه که هست دلالت می‌کند و درونمایه به آنچه که باید باشد اشارت دارد». (مستور، ۱۳۸۷: ۳۰)

پس موضوع، کلی‌تر از درونمایه است. موضوع پدیده‌های اطراف ماست که می‌بینیم و آن را لمس می‌کنیم اما نویسنده با درونمایه به دنبال بیان نظر و دیدگاه خود است و «درونمایه چیزی است که از موضوع به دست می‌آید و تفسیر یا بینشی است درباره موضوع. مثلاً موضوع داستانی ممکن است درباره گلی باشد؛ درونمایه‌اش تفسیر ناپایداری طبیعی وجود گل است». (میرصادقی، همان)

همانطور که پیش از این گفته شد سید مهدی شجاعی نویسنده معاصر بیش از هر چیز به دنبال موضوع و درونمایه است. اما پیش از آنکه به موضوع اصلی مقاله که پیگیری همین دو عنصر در داستان‌های شجاعی است پردازیم، مختصری با نویسنده نامبرده آشنا می‌شویم.

سید مهدی شجاعی

در شهریور ۱۳۳۹ در خانواده‌ای فرهنگی - مذهبی در تهران به دنیا آمد. در سال ۱۳۵۶ پس از اخذ دیپلم ریاضی به دانشکده هنرهای دراماتیک وارد شد و در این رشته به تحصیل پرداخت. همزمان به دانشکده حقوق دانشگاه تهران رفت و پس از چند سال تحصیل در رشته علوم سیاسی و پیش از گرفتن مدرک کارشناسی آن را رها کرد و به طور جدی کار نوشتن را در قالب‌های مختلف ادبی ادامه داد.

در بیست سالگی اولین اثر خود را به نام «جای پای خون و برای همه، برای همیشه» توسط کانون پرورش فکری کودک و نوجوان منتشر کرد. هشت سال مسئولیت صفحه‌های فرهنگی و هنری روزنامه جمهوری اسلامی و سردبیری ماهنامه صحیفه را برعهده داشت و همزمان در سمت مدیر انتشارات برگ به فعالیت می‌پرداخت؛ مدتی مسئول مجله نیستان بود، نیز داوری چند دوره از جشنواره فیلم فجر، جشنواره تئاتر فجر، جشنواره بین‌المللی کودک و نوجوان و جشنواره مطبوعات از فعالیت‌های فرهنگی و هنری اوست.

رشته تحصیلی شجاعی ادبیات نمایشی بوده و چند نمایشنامه هم چاپ کرده است اما او بیشتر به داستان‌نویسی رو آورده و در کنار آثار فراوان نوشتاری، چند مجموعه داستان کوتاه را منتشر کرده است.

او در حوزه کودک و نوجوان و بزرگسال نویسندگی کرده و موضوعات گوناگون اجتماعی، اخلاقی، مذهبی، عاطفی، خانوادگی و اداری را دستمایه کار خود قرار داده است. آثار شجاعی در زمینه‌های مذهبی عبارتند از: «کشتی پهلو گرفته»، «پدر، عشق و پسر» «آفتاب در حجاب»، «از دیار حبیب»، «شکوائی سبز»، «خدا کند بیایی»، «دست دعا، چشم امید»، «سقای آب و ادب».

شجاعی در مجموع حدود صد اثر دارد. تنوع در آثار او کاملاً مشهود است. نمایشنامه، مناجات، مقالات ادبی، داستان و اخیراً رمان، حوزه‌های گوناگون نویسندگی اوست.

برخی این را پراکنده کاری می نامند اما شجاعی خود آن را تنوع می شمارد. به عقیده او تنوع به عمد و با برنامه ریزی صورت می گیرد اما پراکندگی ممکن است بر مبنای اتفاق و تصادف باشد.

به هر حال امروز، سید مهدی شجاعی یکی از نویسندگان شناخته شده است. یکی از حوزه های نویسندگی او نوشتن داستان کوتاه است که تاکنون از او سه مجموعه چاپ شده است. شجاعی نویسنده پرورش یافته پس از پیروزی انقلاب اسلامی است. حضور نزدیک در صحنه های مختلف انقلاب، کار کردن در نهادهای فرهنگی پس از انقلاب، همراهی با اهداف مردمی انقلاب، احساس تعهد نسبت به جامعه، هدفمند بودن، داشتن عقاید مذهبی، دیدن تحولات گوناگون سه دهه اخیر، دغدغه مردم به ویژه نوجوانان را داشتن، اخلاق گرا بودن و ویژگی هایی از این گونه از سید مهدی شجاعی شخصیت و نویسنده ای در خور اعتنا ساخته است. کارهای او نشان می دهد که او نه در پی برآوردن نام و رسیدن به کام بوده است و نه باری به هر جهت دست به قلم شده است. او قلم و داستان را ابزاری برای هدف خود ساخته است. هدفی که انسانی و دینی است.

داستان را ابزاری برای تأکید بر خوبیها، بروز زیباییها، جلوه ایثارگریها، نمایش دهنده کاستیها و کجیها و وسیله ای برای نشان دادن راه از منظر خود قرار داده است. شجاعی، اصولاً قلم را برای رسالت و تعهد در دست گرفته است. دلبستگیها و منش اعتقادی او و نگاه همراه با تعهد به جامعه و فرهنگ آن، داستان هایش را به سویی سوق داده که با خواندن آنها، بیش از هر چیز، پیام آن، توجه خواننده را بیشتر برمی انگیزد. از این رو موضوع و درونمایه بیش از هر چیز برای او اهمیت دارد.

شجاعی خود گفته است: «من هنر را دقیقاً وسیله ای برای بیان حرفهایم تلقی می کنم و برای «هنر برای هنر» اصالت قائل نیستم. این تفاوت دیدگاه خیلی بنیادین است و به نظرم بحث مفصل تری می خواهد. مبحث، مبحث جهان بینی است، مبحث یک مجموعه داستان نیست. من به هنر برای هنر در مجموع اعتقاد ندارم.» (شجاعی ۱۳۸۷: ۱۷۶)

او همچنین در باره داستان، نحوه پرداختن به آن و هدف از آن می گوید:

«من اصولاً داستان را وسیله ای برای بیان حرفهایم می دانم و احساس می کنم این عناصری که برای داستان کشف شده است مبتنی بر فطرت است و به همین جهت بسیاری از این حرکات جدید در تکنیک که ممکن است جذابیتهایی هم داشته باشد آنی می دانم و معتقدم ماندگاری نخواهد داشت ... بسیاری از این عناصر را به جهت اصولی

بودن می‌پذیرم و برخی را کنار می‌زنم. من تلاش می‌کنم از این همه عناصر استفاده کنم تا حرف خود را بزنم. من به دنبال اعتقاد و باورم هستم، این دیدگاه خیلی فرق می‌کند با اینکه من روی هیچ چیز از لحاظ محتوا اصراری نداشته باشم و فقط دنبال قصه خود باشم. این دو جهان‌بینی با هم متفاوت است و به نظرم افتراق از همین‌جا شروع می‌شود». (همان)

سیر نوشته‌های شجاعی

شجاعی اکنون سه دهه نویسندگی را پشت سر می‌گذارد. او در دهه اول و دوم نویسندگی خود، داستان را بیشتر در خدمت ایدئولوژی خویش قرار داده است. داستان‌های او در ابتدا خام، شعار زده، با شتاب و با کمترین تخیل تخیل همراه است. به تدریج با پختگی نویسنده هم از شتاب او کاسته می‌شود و هم زبان اثر رو به کمال می‌رود و هم تا حد فراوانی از شعارزدگی دور و به انتقاد در مبارزه با ناهنجاریها نزدیک می‌شود.

زبان آثار شجاعی، زبانی بین معیار و محاوره است. یعنی ویژگی‌های زبان رسمی معمولی را در اغلب آثارش می‌توان دید و نشانه‌هایی از زبان محاوره و گاهی کوچه بازاری به اقتضای داستان‌ها دیده می‌شود.

لحن طنز دیگر ویژگی زبانی در آثار اوست که وسیله‌ای برای انتقاد از ناپسندها و ناهنجاریهای اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی است. در برخی داستان‌ها، زبانی نزدیک به زبان ادبی هم به چشم می‌آید. در آثار نخستین او ضعف‌هایی چون کم رنگ بودن تخیل، گزارشی بودن و رسانه‌ای بودن داستان‌ها و ضعف ساخت و پرداخت شخصیت‌ها دیده می‌شود. شخصیت‌های داستانی او، واقعی، ملموس و در دسترس هستند. از آنجا که موضوعات عمدتاً برگرفته از اجتماع، حوادث سیاسی و فرهنگی، رویدادهای مذهبی، نظام تعلیم و تربیت، خانواده‌ها و مسائل عاطفی است، شخصیت‌های داستان‌ها نیز در دل همین اجتماع هستند و معمولاً هر کدام از ما با یک یا چند گونه از این تیپ‌ها برخورد کرده‌ایم.

در کارهای این نویسنده بیش از آنکه بپرسیم «چگونه می‌نویسد» باید بپرسیم «درباره چه و برای چه می‌نویسد». به همین سبب در این مقاله به این پرسش می‌پردازیم و موضوع و درون‌مایه را بررسی می‌کنیم. درون‌مایه‌های آثار شجاعی، بسیار متنوع، ملموس و واقعی است و خواننده هنگام مطالعه داستان، خود را در فضا و موقعیت اشخاص داستان می‌بیند.

اکنون با بررسی سه مجموعه داستان کوتاه از شجاعی مقاله را پی می گیریم.

الف) مجموعه «سانتاماریا»

این مجموعه، چهل داستان کوتاه را در بر دارد. نویسنده خود، داستان ها را به دو بخش زمانی تقسیم کرده است: الف. داستان های فاصله زمانی سالهای ۵۷ تا ۶۷ ب. داستان های زمانی بین ۶۷ تا ۷۷. البته نویسنده، داستان های دهه دوم را پیش از دهه اول قرار داده است که این خود نشان دهنده این است که داستان های دهه ۶۷ تا ۷۷ امروزی تر، با تجربه تر و به معیارهای نویسندگی نزدیک تر است. داستان های دهه اول طبعاً در دوره جوانی و تازه کاری نویسنده، نوشته شده و از سویی فضای فکری، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و اخلاقی آن دهه با دوره بعد تفاوت دارد. البته در داستان های دهه اول، چند داستان بسیار زیبا و ماندگار به چشم می خورد. نام کل مجموعه یعنی سانتاماریا (= مریم مقدس) از نام یکی از داستان ها گرفته شده است.

داستان های دهه ۵۷ تا ۶۷، بیست و شش داستان است که هم از نظر عددی و هم حجم، بخش اعظم کتاب را شامل شده است. در باب فن داستان نویسی طبعاً این داستان ها فراز و نشیب دارد. با توجه به حال و هوای ابتدای انقلاب و سالهای پس از آن، به ویژه هشت سال جنگ و از طرفی تعهد و تعلق خاطر نویسنده به آرمانهای مردمی و دینی انقلاب، داستان ها عمدتاً در خدمت مفاهیم و موضوعات انقلاب، جنگ، ایثار و شهادت است. این داستان ها البته به ترتیب زمانی در پی هم نیامده اند که اگر چنین بود بسیار بهتر می شد خطر فکری نویسنده و نیز تکامل هنر نویسندگی را در آنها دید. این داستان ها عبارتند از:

«آخرین دفاع، امروز بشریت، آب در لانه، یکی بیاید مرا تحویل بگیرد، با یک جنگ چطور، حساب پس انداز، راه خانه کجاست، کسی که آمدنی است، دو کبوتر دو پنجره، یک پرواز، آبی اما به رنگ غروب، راز دو آینه، آن شب عزیز، آرامش قهوه ای، بغض آینه، امضاء، ضریح چشمهای تو، مرا به نام تو می خوانند، تویی که نمی شناختم، دیدار معشوق، عشق چه رنگی است، خالد، بیست و یک سال تجربه، ناخلف، شکارچی، چوب کاری، تو گریه می کردی».

داستان های دهه دوم از مجموعه سانتاماریا که در فاصله سالهای ۶۷ تا ۷۷ نوشته شده چهارده تا و عبارتند از:

«ماه جبین، شیرین من بمان، برای زندگی، پارک دانشجو، ویروس، دزد ناشی، کار ناتمام، شازده، قاییل ۱۹۹۶، طوقی از تاول، زیر دوش دیدم، افسانه، شکیبا، سانتاماریا».

داستان‌های شجاعی در این مجموعه بیشتر با موضوعات اجتماعی است؛ اگر چه تفاوت‌هایی در نوع موضوعات انتخابی بین دو فصل کتاب مشهود است که می‌تواند بیانگر تفاوت‌هایی از جامعهٔ زمان جنگ و بعد از آن باشد، اما نگاه مذهبی شجاعی در تمام کتاب جاری و ساری است.

تفاوت ساختاری و نوشتاری در داستان‌های این دو دهه به راحتی قابل لمس است. مختصرنویسی، ایجاز، حذف اضافات و پرهیز از لفاظی، به روشنی در داستان‌های دههٔ دوم دیده می‌شود. در نقطهٔ مقابل، زیاده‌گویی و اطناب، پرداخت محتوا خارج از قواعد داستان و شعارزدگی از ویژگی‌های داستان‌های دههٔ اول در این کتاب است. علت تفاوت، تجربه نویسنده در دههٔ دوم و ناپختگی و نیز اوضاع و اقتضای زمان در دههٔ اول بوده است.

با توجه به اینکه بیشتر این داستان‌ها در سالهای هیجانی و همراه با اضطراب، جنگ، شهادت، ایثار، ترور و آوارگی و مباران بوده است، طبیعی است که داستان‌ها بیشتر با همین موضوعات باشد. اما برای جمع‌بندی و نتیجه‌گیری بهتر آنها را در چند دسته، تقسیم‌بندی می‌کنیم.

۱. موضوعات اجتماعی.

۲. انقلاب، جنگ، ایثار و شهادت.

۳. خانواده و عاطفه.

۴. عشق.

البته دقیقاً نمی‌توان موضوع و درونمایه داستان‌ها را از هم تفکیک کرد زیرا همهٔ این عناوین اجتماعی هستند. اما تأکید و اهمیت بیشتر و چشمگیرتر بودن موضوع، ما را بر آن می‌دارد که داستان‌ها را در یکی از آن موضوعات قرار دهیم. همچنین با پایان یافتن زمان جنگ، طبعاً داستان‌ها متوجه موضوعات پس از جنگ و عوارض به جا مانده از آن می‌شوند. فساد اداری، مشکلات خانواده ایثار گران به ویژه آزادگان و جانبازان، روی آوردن برخی به زندگی تجملی، بی‌عاطفه شدن خانواده‌ها و نیز کم‌رنگ شدن روحیه ایثار و فداکاری از موضوعاتی است که در داستان‌های پس از جنگ منعکس شده است.

۱. موضوعات اجتماعی

در این موضوع عمده درونمایه‌ها و ریز موضوعات زیر مطرح شده است:

تعلیم و تربیت و تجربهٔ معلمان در آموزش و پرورش، فقر اجتماعی به ویژه در بین برخی از خانواده‌ها که یا باعث دزدی می‌شود یا پدری فرزندش را در جلو آسایشگاه رها می‌کند، اختلاف بین برخی خانواده‌ها و زورگویی بعضی اعضا مثل برادر بزرگتر برای تصاحب زمین یا اموال برادران دیگر، خیانت برخی اعضای خانواده مثل همسر به دیگری، فساد اداری و بروز رشوه‌خواری و پارتی‌بازی، اجرای عدالت و رسیدن به جزا در مورد کسانی که خود را بهتر از دیگران می‌دانند، در معرض فساد فرهنگی و اخلاقی قرار گرفتن به ویژه با ترفندها و دسیسه‌هایی که بدخواهان اجرا می‌کنند، فریب خوردن برخی افراد و از بین رفتن آبرویشان در پناه آوردن به عناصر دشمن.

این گونه موضوعات در هر زمان مطرح است اما در جامعه ما پس از جنگ بروز بیشتری داشته است. زیرا در زمان جنگ درگیر بودن کشور با آن و نیز حضور شخصیت بزرگ و معنوی امام، وجود روحیه ایثار و فداکاری، تشییع جنازه و گرامیداشت یاد شهدا و در مجموع پای‌بندی بهتر و بیشتر مردم و مسئولان، زمینه‌های کمتری برای بروز مشکلاتی مثل فساد اداری یا اجتماعی و فرهنگی موجود بود. اما با پایان جنگ، بروز مشکلات و عوارض آن، بازگشت مردم به زندگی عادی، نمودار شدن کمبودها و خرابی‌ها، ازدیاد جمعیت، نو شدن زندگی، توقعات، تشریفات و تجملات جدید و از این قبیل، زمینه را برای بروز ناهنجاریهایی مثل فساد اخلاقی، فقر، فساد اداری، رشوه و پارتی‌بازی، روابط ناسالم بین برخی افراد، دزدی ناشی از فقر و ... فراهم کرد.

سیدمهدی شجاعی با دیدن و لمس هر دو زمان، متناسب با اوضاع و احوال هر دوره داستان‌های خود را نوشته است. او، اگر داستانی با موضوع اجتماعی می‌نویسد، حتماً در آن پیام اخلاقی و دینی را می‌گنجانند و دریافت خود را از دین و آنچه برای زندگی بهتر نیاز است به مخاطب منتقل می‌کند.

نگاه تیز و نقادانه نویسنده با واقع‌بینی، لایه‌های زیرین حوادث و رخدادها را تبیین و تفسیر می‌کند. به همین دلیل بسیاری از آنها برای خواننده ملموس است و رنگ و بوی جدی به خود می‌گیرد و واقعی جلوه می‌کند. داستان‌های «بیست و یک سال تجربه» و «چوبکاری» تجربه‌های معلمی است. راه چهارم تلخ‌تر از زهر و زیر دوش دیدم، نمونه‌ای از برخی خیانتها و بی‌وفاییها در بعضی خانواده‌هاست، داستان‌های حساب پس‌انداز، دزد ناشی و تو گریه می‌کردی بیان‌کنندهٔ دردهای ناشی از فقر است. «برای زندگی» داستانی است که فساد اداری را بیان می‌کند و ...

۲. انقلاب، جنگ، ایثار و شهادت

همان گونه که گفته شد در فاصله زمانی سالهای ۵۷ تا ۶۷ فضای جامعه متأثر از رویداد بزرگ انقلاب و حوادث پس از آن به ویژه جنگ تحمیلی و هشت سال دفاع مقدس بود. طبیعی است که نویسنده متعهد و دغدغه‌دار، داستان را ابزاری برای ارائه پیامهای معنوی انقلاب و نشان دادن صحنه‌های ایثار و ماندگار کردن خوبیها و نیکی‌ها می‌سازد. در کارهای شجاعی اصولاً داستان، ابزاری برای بیان عقاید و اهداف نویسنده و پیوند بین ایدئولوژی، تاریخ، سیاست و هنر است. در مجموعه سانتا ماریا، شانزده داستان با این مضمون و موضوع دیده می‌شود. چند داستان مربوط به فضای سال ۵۷ و پیروزی انقلاب و بقیه مربوط به دوره پس از آن است. داستان‌های شکار شکارچی و ناخلف، این فضا را نشان می‌دهد. داستان شکار شکارچی، شهادت مردی مؤمن را به دست مأموران رژیم شاه نشان می‌دهد که به بهانه همکاری نکردن با رژیم او را می‌کشند. داستان ناخلف درباره اختلاف پسری مبارز و انقلابی با پدرش است که ساواکی است و پسر نمی‌تواند به پدر کمک کند تا دست از اعمالش بردارد و خود نمایشی از صحنه‌های انقلاب و مبارزه و در برگیرنده طیفهای گوناگون مردم است.

یکی از حوادث سالهای پس از انقلاب، ترورهای بود که به دست مخالفان انقلاب و منافقان انجام می‌شد. نویسنده در این موضوع نیز چند داستان را نوشته و به خوبی مظلومیت هموطنان و سببیت منافقان را نشان داده است. داستان «آبی اما به رنگ غروب» نمونه‌ای از آن است. اما داستان‌های مربوط به جنگ، خانواده شهدا، شهادت رزمندگان، ایثار خانواده‌ها در فرستادن فرزندان به جبهه، شجاعت رزمندگان، صبوری بازماندگان شهدا به ویژه فرزندان و همسران، چشم‌انتظاری خانواده‌های اسرا و مفقودان از موضوعاتی است که شجاعی به آن پرداخته است. چند داستان معروف و زیبا حاصل کار شجاعی در این باره است. داستان‌های «ضریح چشمهای تو» و «دو کبوتر، دو پنجره، یک پرواز» سرآمد این داستان‌هاست.

نگاه مثبت نویسنده به جنگ و پیامدهای آن، این دوره را شیرین‌ترین نشان می‌دهد حتی بعد از جنگ وجود شهدا حکمتی و نعمتی است برای آزمون مردم به ویژه خانواده‌ها که تمرین صبوری و پایداری کنند. نگاه نویسنده، نگاهی ارزشی و عاطفی است. در مجموع خواندن این داستان‌ها برای کسانی که در آن فضا بوده‌اند بسیار واقع‌گراتر و ملموس‌تر است هر چند برای نسلهای بعدی شاید با اغراق همراه باشد.

۳. خانواده و عاطفه

یکی از نگرانی‌ها و دغدغه‌های جدی شجاعی، موضوع خانواده است. تحکیم بنیان خانواده، استواری فرهنگ و ماندگاری و سلامت اخلاق جامعه را در پی دارد. کم‌رنگ شدن و حتی از بین رفتن عاطفه خانوادگی زمینه بروز بسیاری از ناهنجاریها و کژیها و کاستیهاست. شجاعی به جد نگران آسیب دیدن این اصل است و کم شدن عاطفه‌ها از جانب همسران به ویژه بانوان و نیز در بین فرزندان و اولیاء از درونمایه‌ها و هشدارهای جدی اوست. مشکلات اقتصادی، اجتماعی، گرانی، معضل مسکن، کمبود محبت، درست تربیت نشدن، فریب خوردن و خیانت از عوامل کاهش عاطفه است.

در مجموعه داستان سانتاماریا، داستان‌های آب در لانه، امروز بشریت، آخرین دفاع، خالد، درباره موضوع خانواده و عاطفه بین خانواده‌هاست.

شجاعی خود در جایی گفته است: «من نگران وضعیت عاطفی جامعه خودمان هستم و معتقدم آنچه در جامعه ما نزول ارزشی و شخصیتی اتفاق می‌افتد منشأ و مبدأش همین خلأ عاطفی است. در این موضوع بحث زن و مرد نیست؛ بحث، بحث عاطفه است. حالا این سوال پیش می‌آید که چرا زن برجسته‌تر می‌شود و محور واقع می‌شود؟ چون زن تجلی عاطفه است. از دیدگاه ما خداوند وجود زن را مظهر عشق و عاطفه قرار داده است. زن از دیدگاه من و با الفبایی که من با آن کار می‌کنم، تجلی عشق و عاطفه است. او مظهر عاطفه است و این موضوع را من به عنوان سمبل استفاده کردم.» (شجاعی، ۱۳۸۷، ب، ۸-۱۶۷)

۴. عشق

عشق از ویژگی‌های انسان سالم است. عشق به انسان به طور کلی و عشق به فردی که کامل‌کننده وجود آدمی است و در مجموع عشق پاک، یکی از موضوعات مورد توجه در داستان‌های شجاعی است. درون‌مایه این عشق‌ها پاکی، صداقت و نجابت است. به هر حال جامعه، مجموعه‌ای از ویژگی‌ها را با خود دارد و عشق هم یکی از این ویژگیها است. داستان‌های ماه جبین، شکبیا و سانتاماریا از این مجموعه، صحنه بروز این گونه عشق است. در این داستان‌ها مردان، به زنان خاص علاقه‌مند می‌شوند. بیشتر آنها از قشر شاعر و هنرمند هستند و درون‌گرا و متفکر. آنها با دیدن زنان در عالم واقع، خیال آنان را در ذهن می‌پرورند، با آنها گفت‌وگو می‌کنند، آرزوی دوستی‌شان را در سر دارند اما زنان کمابیش با عشوه‌هایی مردان را گرفتار می‌کنند، سپس یا غیب می‌شوند (چون داستان ماه جبین و سانتاماریا) یا می‌میرند (چون داستان شکبیا)

ب) مجموعه غیر قابل چاپ

این مجموعه در سال ۱۳۸۷ به چاپ دوازدهم رسیده است. در این مجموعه، نه داستان گنجانده شده است. این داستان‌ها در دههٔ پس از زمان جنگ نوشته شده و متناسب با وضعیت اجتماعی این دوره است. نام این مجموعه، نام یکی از داستان‌های این کتاب است. این نه داستان را می‌توان از نظر موضوع به سه عنوان اجتماعی، خانواده و عشق تقسیم کرد.

پنج داستان از این مجموعه دربارهٔ مسائل اجتماعی است. یک داستان دربارهٔ خانواده و عاطفه و سه داستان دربارهٔ عشق (عرفانی) است.

داستان‌های اجتماعی عبارتند از:

شبیبه یک هنرپیشه خارجی؛ موضوع آن دعوای بین مرد و زنی است که هویت خود را گم کرده است. درونمایه بحران هویت است و بیان این نکته که چرا هیچ کس خودش نیست و چرا برخی با تقلید و خود را شبیه دیگران کردن به دنبال کسب هویت می‌گردند.

آناهیتای شرقی با موضوع و درونمایه فساد اخلاقی و فریب دادن و فریب خوردن افراد زن و مرد از یکدیگر است.

راه چهارم تلخ‌تر از زهر؛ دربارهٔ خیانت و بی‌وفایی برخی از اعضای خانواده و در نتیجه از هم‌پاشیدن زندگی است.

همیشه پای یک زن در میان است و نیز داستان «غیر قابل چاپ» به فساد اداری و رشوه و پارتی بازی در ادارات پرداخته است.

از این مجموعه سه داستان «لباس خواب صورتی، خبر مرگ و من به یک لیلی محتاجم» را می‌توان در حوزهٔ موضوع خانواده و عاطفه قرار داد که هر یک به نوعی کمرنگ شدن و از بین رفتن عواطف خانوادگی را نشان می‌دهد.

یک داستان عاشقانه و زیبار میان مجموعه هست و آن «چشم در برابر چشم» است که بازآفرینی یک حکایت عرفانی در دل باختن مردی به زنی مُراد خود است که سرانجام با گذشت مراد و همسرش که عاشق شوهر خود است، مرید به معشوق می‌رسد. البته این حادثه فقط در ذهن مرید روی می‌دهد اما مرید به کیفر این گناه ذهنی و عدم تقوای ذهنی خود را مجازات می‌کند.

مجموعه غیر قابل چاپ مورد توجه اهل فن و کارشناسان حوزهٔ داستان و نقد قرار گرفت و نقد و نظریاتی دربارهٔ آن چاپ شد. این مجموعه هم بیانگر نگرانی‌ها و

دل مشغولی های شجاعی است و او باز هم موضوع و درونمایه را بیش از هر عنصر دیگر داستان در معرض توجه قرار داده است.

مجموعه «سری که درد می کند»

این مجموعه در سال ۱۳۸۷ در ده هزار نسخه چاپ شده و شامل هشت داستان است. این داستان ها مربوط به سالهای اخیر است و با توجه به دو مجموعه قبلی تفاوت چشمگیری در لحن، زبان و نگاه شجاعی دیده می شود. اما موضوع و هدف همان است. موضوع اجتماع و اخلاق است و هدف، انتقاد از ناراستی ها، کجی ها، ناهنجاریها، سوءاستفاده ها و گناهان. جالب آنکه، نویسنده خود در ابتدای یکی از داستان هایش نوشته است: «رسالت من بیان حقیقت است، نه اطاعت بی چون و چرا از تکنیک های داستان نویسی». (شجاعی، ۱۳۸۷، ج ۲۴) پس روشن است که شجاعی باز هم به دید ابزاری به داستان می نگرد و آن را وسیله ای برای رسیدن به هدف خود می داند که همانا ارائه پیام است.

موضوع کلی همه داستان ها اجتماعی است اما هر کدام با درونمایه و نگاهی دیگر. داستان لوطی گری و آخر مرام، زبان حال قشر و گروه خاصی از مردمند که با نام «لوطی و داش» آنها را می شناسیم و این گروه - که امروزه کمتر هستند - بازمانده اخلاق و فتوت گذشته را هنوز با خود دارند.

لوطی گری، با درونمایه کرامت و بزرگواری امام رضا (ع) و آخر مرام با درونمایه تأثیر نام حضرت زهرا (س) و احترام به سادات است که حتی جوانی لایبالی را به راه درست، بر می گرداند.

در داستان «نیازمند آبرومند» باز شجاعی، موضوعی مذهبی را دستمایه قرار داده و به سراغ کرامت امام رضا (ع) در عنایت به زائر خود و به خواب او آمدن و او را راهنمایی کردن رفته است. «سری که درد می کند». «قصه و قس ...»، «دست کج، زبان راست» سه داستانی هستند که درونمایه آن فساد اداری و نااهلی و بی لیاقتی برخی مدیران، فامیل بازی، غفلت، ناواردی و بی تعهدی در مسئولیت ها را نشان می دهد. داستان حلقه مفقوده از این مجموعه باز به سراغ «خانواده» می رود و اختلافات و تفاوت های دیدگاه و بگومگوهای بی حاصل بین زوجین به ویژه جوانان را نشان می دهد که حتی یک اختلاف نظر ساده، منجر به قتل می شود.

داستان «جام جهان بین» درونمایه عرفانی دارد. داستان فرزندی است که با پدرش تنها زندگی می کند اما به اقتضای شغل امنیتی که دارد، می خواهد پدر را بپاید و رفت و

آمدهای او را کنترل کند. پدرش که فردی متدین، پارسا اما بی‌ادعاست با وجود آگاهی از این مسأله، آن را به رخ فرزند نمی‌کشد، فقط یکی دوبار به اشاره به فرزند حالی می‌کند که آزار پدر عواقب ناخوشایندی دارد. پس از مرگ پدر، پسر، سالها در فراقش بی‌قرار است، سراغ فردی عارف و درون بین می‌رود که پدرش نیز با او ارتباط معنوی داشته است. اما این عارف هربار با کرامتی مانع از دیدار می‌شود تا اینکه سرانجام به او اجازه حضور می‌دهد و فرزند، با ایمان آوردن به اشراف بر ضمیر عارف و گناه خود طلب بخشش می‌کند.

این مجموعه، در مجموع نشان‌دهنده توجه نویسنده به ایمان و اعتقاد و اخلاق مردم، بی‌کفایتی برخی مدیران و در نتیجه نابسامانی و فساد اداری و مشکلات خانوادگی است. او خود را متعهد می‌بیند که در این زمینه‌ها قلم بزند و زشتی‌ها را برملا کند و بر خوبی‌ها انگشت بگذارد.

نتیجه‌گیری

سید مهدی شجاعی نویسنده‌ای است که در حال و هوای پس از پیروزی انقلاب، بالیده و متناسب با فضای زمان و اقتضات آن به ویژه هشت سال جنگ تحمیلی، روحیه شهادت طلبی و ایثارگری مردم و نیز فضای سال‌های پس از جنگ داستان نوشته است. در داستان‌های شجاعی بیش از هر چیز موضوع و درون‌مایه اهمیت دارد. او داستان و تکنیک‌های داستان‌نویسی و عناصر داستان را ابزاری برای پرورش موضوعات قرار داده است. در میان نوشته‌های فراوان شجاعی، سه مجموعه داستان کوتاه وجود دارد.

سه مجموعه داستان کوتاه «سانتاماریا، غیر قابل چاپ، سری که درد می‌کند» مجموعاً ۵۷ داستان را در بر دارد. مجموعه این داستان‌ها را می‌توان در چهار موضوع تقسیم کرد:

اجتماع، انقلاب و شهادت، خانواده، عشق. بیشتر داستان‌ها با محوریت اجتماع و حوادث و موضوعات آن است. درونمایه داستان‌های اجتماعی، اخلاق مردم، ایمان و اعتقاد آنان، فقر، تعلیم و تربیت، مشکلات و فساد اداری، دزدی فرهنگی، پارتی بازی و رشوه و ناهنجاریهایی از این گونه است. می‌توان داستان‌های اجتماعی شجاعی را تقریباً بیانگر نقاط ضعف و منفی جامعه دانست. در داستان‌هایی که با موضوعیت انقلاب، جنگ، شهادت و ایثار است، به عکس مورد قبل، نگاه، نگاهی مثبت و برجسته کردن زیباییها، خوبیها، معنویت‌ها و ایثارگری‌ها است. این داستان‌ها که بیشتر در فضای

معنوی و ملموس سالهای پیروزی انقلاب و جنگ و شهادت نوشته شده، ایمان و خلوص و ایثار و فداکاری را وجهه نظر خود قرار داده و با زبانی عاطفی خواننده را از جبهه های جنگ عبور می دهد، به درون خانواده های شهدا می برد، در زیر بمباران ها ننگ می دارد، در معرض ترور منافقان قرار می دهد و به خواب شهدا می برد.

خانواده و عاطفه درون خانواده ها، محور و موضوع عمده دیگر در داستان ها بود. اهمیت و درونمایه این داستان ها، بی عاطفه شدن خانواده در اثر مشکلات اجتماعی و فقر و حرص و سرمایه اندوزی و مانند آن است. نویسنده برای این موضوع بسیار اهمیت قائل است و رسالت خود را در هشدار به این بی عاطفگی می داند.

عشق، دیگر موضوعی است که با درونمایه عشق پاک و عرفانی در برخی داستان های شجاعی خود را نشان می دهد. در این داستان ها، نویسنده متأثر از متون عرفانی گذشته، عشق معنوی و روابط مراد و مریدی را در معرض دید قرار می دهد. در آخرین داستان های چاپ شده علاوه بر توجه به مشکلات اجتماعی، عشق و ارادت به ائمه و معصومان به نحوی درونمایه چند داستان قرار گرفته است.

فهرست منابع

۱. اسکولز، رابرت، ۱۳۸۲، عناصر داستان، ترجمه فرزانه طاهری، تهران، نشر مرکز.
۲. شجاعی، سید مهدی، ۱۳۸۷ (الف) ساتتاماریا، تهران، کتاب نیستان، چاپ دهم.
۳. -----، ۱۳۸۷ (ب) غیر قابل چاپ، تهران، کتاب نیستان، چاپ دوازدهم.
۴. -----، ۱۳۸۷ (ج) سری که درد می کند، تهران، نشر نیستان، چاپ اول.
۵. مستور، مصطفی، ۱۳۸۷، مبانی داستان کوتاه، تهران، نشر مرکز، چاپ چهارم.
۶. میرصادقی، جمال، ۱۳۷۶، ادبیات داستانی، تهران، نشر سخن، چاپ سوم.
۷. -----، ۱۳۸۰، عناصر داستان، تهران، نشر سخن.
۸. یان رید، ۱۳۷۹، داستان کوتاه، ترجمه فرزانه طاهری، تهران، نشر مرکز، چاپ دوم.